

۴۴

لازم است از پی این همه نکته‌های دیگر نیز بگویم، و آن اینکه این فیلسوفان آینده آزاده و بسی آزاده‌جان خواهند بود - و بسی گمان نه تنها آزاده جان، که چیزی فزونتر و برتر و بزرگتر و ازین دگر خواهند بود، که نخواهند ایشان را به غلط شناسند و به جای دیگران گیرند. اما با گفتن این سخن وظیفه خود می‌دانم - چه نسبت به ایشان چه نسبت به خودمان، ما آزاده جانانی که منادیان و پیشتازان آنانیم - تا آن پیشداوری و بدفهمی قدیمی را که دیری است همچون مه مفهوم «آزاده‌جان» را تیره و تار کرده است، از همگیمان دور کنم. در همه کشورهای اروپائی، و همچنین در امریکا، اکنون چیزی هست که از این نام بهره‌گیری نابجا می‌کند؛ یعنی هستند نوعی جانهای بسیار تنگ و دریند که کمابیش ضد آن چیزی را می‌خواهند که باطن و غریزه‌های ما می‌طلبد - بگذریم از اینکه ایشان در مقام قیاس با آن فیلسوفان نو که در کار پدیدآمدند، بسی گمان می‌باید پنجره‌هایی فرو بسته و درهائی چفت شده باشند. کوتاه و درینغ آمیز بگویم که ایشان، این «آزاده جانان» دروغین، از قماش تراذگراندا - یعنی بردگان خوش‌زبان و پرنویس ذوق عوام‌پرست (دموکراتیک) و «ایده‌های نوین» آن؛ مردمانی همگی بری از تنهائی، بری از تنهائی خویش، همپالکیهای قراضه و جفت و جور که نه شهامتشان را می‌توان انکار کرد نه شایستگی اخلاقتشان را - جز آنکه مردمانی هستند بری از آزادگی و به حد خنده‌آوری سطحی، بخصوص در گرایش اساسیشان به اینکه کمابیش علت تمامی ناکامیها و بدبختیهای بشر را در صورتهای جامعه از دیرباز تاکنون بجویند؛ و با این کار حقیقت را شادمانه وارونه کنند! آنچه آنان دوست دارند با تمام نیرو در راهش بکوشند، رسیدن به آن علفزار همگانی و سرسبز خوشبختی گله‌وار است، همراه با ایمنی و بی‌خطری و آسودگی و آسانی زندگی برای همگان؛ و این است نام دو تیرانه و آموزه‌ای که بیش از همه می‌خوانند: «برابری حقوق» و «همدردی با رنجبران» - و رنج

۱. (Nivellierer (levellers)، گروهی، بویژه از اعضای پارلمان انگلیس، که هوادار حق رأی همگانی، برابری حقوق، و رواداری (tolerance) دینی بودند.